بسم الله الرحمن الرحیم

تقریر درس خارج فقه فرهنگ حضرت استاد آیت‌الله محسن اراکی دام برکاته

مقرر	**مرتضی اسدیان لالیمی**	**جلسه**	**۰۴**	**تاریخ**	**۱۴۰۵ / ۰۷ / ۳۰**
عنوان ۱	**قسم هشتم فقه گفتارها: «فقه بیان هجائی»**				
عنوان ۲	**فقه فرهنگ گفتارها: بررسی اقسام هجا و احکام آن (بخش اول)**				
عنوان ۳	**اقسام هجاء** **❖ ۱. هجای معنوی (محتوایی)** **❖ ۲. هجای لفظی** **▪ انواع هجای لفظی** **○ الف) هجای عنوانی (نسبت‌های ناروا)** **○ ب) هجای غیرعنوانی (الفاظ قبیح عرفی)** **• حکم فقهی هجای غیرعنوانی**				
عنوان ۴	**مؤیّدات قرآنی و روایی بر لزوم ادب در گفتار** **❖ ۱. شواهد قرآنی** **❖ ۲. شواهد روایی**				

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیّدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

محور اول: اقسام هجا (دشنام و بدگویی)

استاد در ادامهٔ مباحث «فقه فرهنگ گفتارها»، هجا را به دو قسم کلی تقسیم می‌کنند:

۱. هجای معنوی: که محتوا و معنای کلام در آن زشت و عیب‌جویانه است.

۲. هجای لفظی: که در آن زشتی و قبح، مستند به خود «لفظ» است (حتی اگر معنا ذاتاً قبیح نباشد؛ مانند نام بردن صریح از برخی اعضای بدن).

محور دوم: انواع هجای لفظی و احکام آن

هجای لفظی شامل دو دسته است: «هجای عنوانی» (نسبت دادن عناوین قبیحی چون ولدالزنا، که مطلقاً حرام است) و «هجای غیرعنوانی» (استفاده از الفاظ رکیکِ عرفی). به‌کار بردن الفاظ رکیک در حق مؤمن (به جهت ایذاء) حرام، و در حق غیرمؤمن (کافر) دست‌کم دارای «کراهت شدیده» است.

محور سوم: تأییدات قرآنی و روایی بر لزوم ادب در گفتار

استاد با استناد به آیهٔ ﴿وَ قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ تأکید می‌کنند که مؤمنان موظف‌اند حتی در تقابل با کفار، نیکوترین کلمات را به‌کار برند. همچنین با استناد به حدیث امام صادق علیه‌السلام مبنی بر «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً... وَ كُفُّوهَا عَنِ الْفُضُولِ

وَ قَبِیحِ الْقَوْلِ»، لزوم پرهیز از پرحرفی و استفاده از کلمات قبیح در برخورد با تمامی انسان‌ها (اعم از مؤمن و کافر) را اثبات می‌نمایند.

*** *** ***

فقه فرهنگ گفتارها: بررسی اقسام هجا و احکام آن (بخش اول)

در مبحث فقه فرهنگ خُرد، به بررسی «فقه فرهنگ گفتارها» و نوع هشتم از این گفتارها، یعنی «بیان هجائی» رسیده بودیم. پس از ارائهٔ تعریف هجا، در مبحث دوم به تبیین اقسام آن می‌پردازیم تا در پی آن، احکام فقهی مترتب بر هر یک از این اقسام روشن گردد.

اقسام هجا

۱. هجای معنوی (محتوایی)

قسم نخست، «هجای معنوی» است؛ بدین معنا که محتوا و معنای کلام، قبیح و دربردارندهٔ منقصت و عیب است. از این‌رو، بیان آن مصداق هجا (دشنام و بدگویی) به شمار می‌آید. پیش‌تر اشاره کردیم که این نوع هجا خود به سه قسم تقسیم می‌شود و در جلسهٔ گذشته ضمن تبیین این اقسام، اجمالاً به احکام آن‌ها نیز اشاره کردیم؛ هرچند اکنون در مقام تفصیل احکام نیستیم.

۲. هجای لفظی

قسم دوم، «هجای لفظی» (هجا باللفظ) است. اگرچه هجای معنوی نیز از طریق الفاظ بیان می‌شود، اما مقصود از هجای لفظی آن است که قبح و زشتی، برخاسته از خود «لفظ» است، حتی اگر معنای آن فی‌نفسه زشت نباشد.

برای نمونه، الفاظی که بر بخش‌هایی از بدن انسان دلالت دارند؛ در عرف عقلا (به‌ویژه در جوامع متمدن)، به زبان آوردنِ صریحِ این الفاظ ناپسند شمرده می‌شود و برای اشاره به آن‌ها از کنایه استفاده می‌کنند. البته گاه در اثر کثرت استعمال، خود الفاظ کنایی نیز تغییر ماهیت داده و به واژگانی قبیح مبدل می‌شوند. در هر حال، زشتیِ این قسم از هجا ناشی از ویژگی خود لفظ است، نه معنای آن؛ چراکه اعضای بدن، اجزای طبیعی و مشترک خلقت انسان‌اند و ذاتاً قبیح نیستند.

انواع هجای لفظی

هجای لفظی خود به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) هجای عنوانی (نسبت‌های ناروا):

گاه لفظ، دربردارندهٔ یک «عنوان» زشت است؛ مانند خطاب کردن افراد با عناوینی نظیر «ولد الزنا»، «ابن فلان» یا «ابنت فلان» (با قصد دشنام). این الفاظ دلالت بر نسبتی قبیح دارند و کاربرد آن‌ها مطلقاً ممنوع و حرام است؛ خواه در حق مؤمن باشد و خواه در حق غیرمؤمن (کافر).

ب) هجای غیرعنوانی (الفاظ قبیح عرفی):

گاه لفظ، عنوان خاصی (مانند زنازاده) را به فرد نسبت نمی‌دهد، بلکه خود واژه در عرف عقلا قبیح و زشت شمرده می‌شود. به کار بردن چنین الفاظی در حق هر شخصی، نوعی توهین، تحقیر و زشت‌گویی است؛ حتی اگر کلام دربردارندهٔ دروغ یا تهمت نباشد.

حکم فقهی هجای غیرعنوانی

استعمال این دسته از الفاظ رکیک:

- در حق مؤمن: اگر موجب آزار (ایذاء) و تحقیر او گردد، به دلیل ترتب این عناوینِ محرمه، قطعاً حرام است.
- در حق غیرمؤمن (کافر): حتی اگر عناوینی چون ایذاء مؤمن بر آن بار نشود، باز هم ادلهٔ نهی از این عمل وجود دارد. حداقل معنای مستفاد از این ادله، «کراهت شدیده» است؛ یعنی اگر نتوانیم حرمت آن را در حق کافر اثبات کنیم، دست‌کم به‌شدت مکروه و ناپسند است.

مؤیّدات قرآنی و روایی بر لزوم ادب در گفتار

۱. شواهد قرآنی

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾[۱]؛

این دستور مطلق است و شامل گفت‌وگو با مؤمن و کافر می‌شود.

پرسشگر: آیا مخاطبِ «عبادی» کفارند؟

استاد: خیر، مخاطب مؤمنان‌اند. خداوند به بندگان مؤمن خود می‌فرماید که حتی در سخن گفتن با کفار، باید بهترین و نیکوترین گزینه‌های بیانی را انتخاب کنند.

این آیهٔ ﴿وَقُلْ لِعِبادي يَقُولُوا الَّتي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطانَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ ...﴾، نه تنها یک اصل اخلاقی، بلکه از مهم‌ترین آموزه‌های روان‌شناسی اجتماعی و تربیتی است. اگر می‌توانستیم این اصول را در نظام آموزش و پرورش پیاده کنیم، تأثیرات شگرفی داشت. باید از دوران ابتدایی به کودکان آموخت که مؤدبانه سخن بگویند و از کلمات رکیک و تحقیرآمیز، حتی در ارتباط با همکلاسی‌هایشان، بپرهیزند.

تجربه نشان می‌دهد کودکانی که در خانواده‌های باادب پرورش یافته‌اند و والدینشان با آن‌ها محترمانه سخن می‌گویند، در بیرون از خانه نیز با همه مؤدبانه رفتار می‌کنند.

قرآن در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿ادْفَعْ بِالَّتي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةَ﴾[۲]؛

این‌ها همان مبانی «علوم انسانیِ اسلامی» است که متأسفانه کمتر به آن‌ها توجه می‌شود و از این سرچشمه‌های معرفتی غفلت می‌ورزیم.

۲. شواهد روایی

روایات متعددی در این زمینه وجود دارد. از جمله وصایای گران‌بهای امام صادق علیه‌السلام به شیعیان که شایسته است در قالب کتابی مستقل با عنوان «وصایا الإمام الصادق إلی شیعته» گردآوری شود.

ایشان می‌فرمایند:

---

۱. سورهٔ إسراء: ۵۳.

۲. سورهٔ مؤمنون: ۹۶.

«مَعَاشِرَ الشِّيعَةِ كُونُوا لَنَا زَيْناً وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْناً، قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً، وَ احْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ، وَ كُفُّوهَا عَنِ الْفُضُولِ وَ قَبِيحِ الْقَوْلِ»[1]؛

نکات کلیدی این روایت:

- «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً»: با «مردم» (نه فقط شیعیان) نیکو سخن بگویید.
- «وَ احْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كُفُّوهَا عَنِ الْفُضُولِ»: زبانتان را کنترل کنید و از پرحرفی بپرهیزید.
- «وَ قَبِيحِ الْقَوْلِ»: (که شاهد بحث ماست) از بیان سخن زشت و قبیح خودداری کنید؛ خواه در حق مؤمن و خواه در حق کافر.

ادله در این باب بسیار فراوان است و در اینجا قصد استقصای کامل آن‌ها را نداریم.

این مطالب مربوط به مبحث دوم (تقسیمات هجا) بود. در مبحث سوم که در جلسات آینده به آن خواهیم پرداخت، احکام فقهی مترتب بر این اقسام را بررسی خواهیم کرد.

البته این اقسامی که ذکر شد، اقسام کلی بودند و اقسام جزئی‌تر آن در ضمن مباحث آینده مطرح خواهد شد.

و صلی الله علی محمد و آل محمد

مؤسسه حفظ و نشر آثار آیت الله اراکی

---

۱. **وسائل الشیعة**؛ کتاب الحج، ابواب احکام العشرة، ب ۱۱۹، ح ۱۸.